

«زن و مطالعات خانواده»

سال هجدهم، شماره شصت و پنجم، پاییز ۱۴۰۳

ص ص: ۱۳۱-۱۵۳

تحلیل دگرگونی‌های خانوادگی بر پایه برساخت‌های کنشی زنان و مردان از این دگرگونی‌ها در فرآیند گذار زندگی مشترکشان

شهناز بختیاری

حسین ابوحسن تنهایی

محمد مهدی لیبی

میثم موسایی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۲/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۴/۵

چکیده

این جستار، مطالعه‌ای توصیفی - تحلیلی بود که با هدف دستیابی به فهم برساخته‌های کنشی زندگی مشترک زنان و مردان از دگرگونی‌های خانوادگی در فرآیند گذار زندگی مشترکشان انجام گرفت. پژوهش به روش کیفی و با کمک راهبرد نظریه زمینه‌ای اجرا شد. بر مبنای این روش پژوهشگر با مراجعه مستقیم به مشارکت‌کنندگان، اطلاعات مورد نیاز را گردآوری و طی فرآیند کدگذاری مورد تحلیل قرار داد. جامعه آماری، تمامی کارمندان متأهل دانشگاه‌های آزاد شهر تهران انتخاب شد. نمونه‌های مورد نیاز به کمک نمونه‌گیری هدفمند و در دسترس انتخاب گردید. که در نهایت طبق منطق اشباع نظری، نمونه نهایی ۱۷ نفر تعیین شد. ابزار گردآوری اطلاعات مصاحبه کیفی با پرسش‌های باز و نیمه‌ساخت یافته بود برای تحلیل داده‌ها از منطق گذاری باز، محوری و انتخابی استراس و کوربین استفاده شد. تحلیل داده‌ها نشان داد که زوجین علل دگرگونی‌های خانوادگی در فرآیند گذار زندگی مشترکشان را جابجایی ارزش‌های زوجین و خانواده و تکانه‌های مثبت و منفی برون فردی عنوان کردند که در شرایط پیش‌بینی ناپذیری و موقعیت‌های متغیر اتفاق می‌افتد؛ هرچند مداخله‌گرهایی چون، کیفیت حریم درون خانوادگی مزید بر علت می‌شد. زوجین در مواجهه با این تکانه‌ها از استراتژی‌های مختلفی چون درک موقعیت معطوف به آینده، مشارکت‌تعامل - گرایانه و مدیریت زمان فرزندمحور استفاده می‌کردند.

کلیدواژه: دگرگونی خانوادگی، زندگی مشترک زن و مرد، نظریه زمینه‌ای

گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
mousai@ut.ac.ir

گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۱. بیان مسأله

هویت پدیده‌ها در جهان معاصر بیشتر از هر زمان دیگری لرزان و دستخوش تغییر شده‌اند؛ تا جایی که حتی خانواده که از پایدارترین پدیده‌ها در گذار تاریخی بود نیز متأثر گشته است. این دگرگونی در خانواده گاه در شکل و ساختار بوده است؛ گاه در حوزه فعالیت و نقش اعضا نمود داشت. دگرگونی‌هایی که به نوعی با روح حاکم بر جهان معاصر که با تنوع مصرف‌گرایی و گستردگی نیازها تعریف می‌شود، سازگار و پیوسته است. به عبارتی می‌توان گفت بخش قابل توجهی از دگرگونی‌خانواده‌ها، از نیاز به کار اعضا و اشتغال برای رفع نیازها متأثر گشته است. برخی، نقطه آغاز این پدیده را گسترش اشتغال زنان عنوان کردند که در نتیجه آن فرزندآوری محدود شد (۱۸ و ۱۲). خانواده به منزله کوچکترین و درعین حال منسجم‌ترین گروه موجود در جامعه محسوب می‌شود و به طور معمول، متشکل از پدر و مادر، فرزند یا فرزندان است (۲۹). برخی، دگرگونی‌های خانوادگی را در نتیجه گسترش دایره قدرت زنان در بطن و پوسته خانواده معرفی کردند که در نتیجه آن، زنان به سوی ایده «داشتن همه چیز» حرکت کردند؛ ایده‌ای که در آن زنان ضمن حفظ نقش‌های قبلی خود، بیشتر به سمت شغل‌های مردانه گرایش پیدا کردند و جاه‌طلبی‌های خود را در کسب شغل‌های مردانه می‌دیدند (۲۲). از سویی مردان نیز با پذیرش واگذاری بخشی از مسئولیت‌هایشان به دیگری، نسبت به تأمین نیازها استقبال کرده‌اند، که می‌توان از آن با عنوان «واگذاری خوشایند» نام برد. بدین معنی که اگر تا دیروز مرد متعهد به برآورده کردن نیازهای مادری، آرامش و رفاه اعضا خانواده بود؛ با تقسیم بخشی از این تعهدات با سایر اعضا خانواده، احساس راحتی خوشایند و رضایت بخشی بدست می‌آورد. هر چند این واگذاری بدون هزینه نخواهد بود. از مهمترین هزینه‌ها، از دست دادن قدرت تام تصمیم‌گیری و فرماندهی در خانواده است که حتی می‌تواند به نقطه آغاز مشاجرات، فروپاشی و ناهنجاری‌هایی منجر شود که خود مسأله دیگری است که نیاز به پژوهش مستقلی دارد. اما آنچه به این بحث مربوط است اینکه واگذاری مسئولیت سنتی، برای کنشگران خانواده نقش‌های جدیدی را تعریف می‌کند. این نقش‌ها، پیامدهای قابل پیش‌بینی و غیرقابل پیش‌بینی به دنبال می‌آورد که خانواده را با دگرگونی‌های کنشی، هنجاری، و کارکردی مواجه می‌کند. موازی با تغییر نیازهای مؤثر بر دگرگونی‌های خانوادگی در گذر زمانی مختلف، تغییر نگرش سیاست‌ها و اعضا خانواده نیز می‌تواند نقش مهمی در دگرگونی‌های هویتی - ساختاری خانواده ایجاد کند. گاهی نگرشی بر جامعه حاکم می‌شود که در پی آن، سیاست‌های حمایت - گرایانه‌ی فرزندآوری به نفع زن، در مقوله‌های انعطاف‌پذیری شغلی، مرخصی با حقوق و کار پاره‌وقت با

مزایای کامل نوع خاصی از ارتباطات درون خانوادگی را شکل می‌دهد. گاهی در جهت عکس، سیاستی بدون تفاوت جنسیتی در جامعه و اشتغال اعمال می‌شود که در نتیجه آن اعضا خانواده به صورت برابر در مؤلفه‌های بیرونی و درونی مرتبط با خانواده نقش ایفا می‌کنند. اما نگرش خود کنشگران درون خانواده نیز نقش تعیین‌کننده‌ای در دگرگونی یا پایداری ساختار خانواده دارد. تفاوت دیدگاه برنامه‌ریز و هدایت‌گر خانواده (زن یا مرد) مبنی بر اینکه هر دو عضو درآمدزا باشند یا یکی از آنها (به صورت سنتی زن نباید در بیرون کار کند و وظیفه او خانه‌داری است)؛ یا تعارض دیدگاه در مورد بعد خانواده، دگرگونی‌های بالقوه‌ای را در خانواده به وجود می‌آورد. این موارد، دگرگونی‌های خانوادگی حتمی یا احتمالی هستند که احتمالاً در فرایند زندگی مشترک زنان و مردان ایجاد می‌کند. در ایران که به صورت سنتی خانواده برخوردار از ارزش‌های اعتقادی و قدسی تعریف می‌شد، مواجهه با دگرگونی‌های خانوادگی هم از سوی زنان هم از سوی مردان در فرایند زندگی مشترکشان، می‌تواند معنای منحصر بفردی ارائه دهد. اما اینجا مسأله کشف دگرگونی‌های خانوادگی نیست، بلکه این است که زنان و مردان عضو یک خانواده، چگونه این دگرگونی‌ها را تفسیر می‌کنند. همین مسأله پژوهشگر را برآن داشت تا به‌عنوان یک هدف راهبردی، به واکاوی کنش-های زنان و مردان در فرایند زندگی مشترکشان در مواجهه با این دگرگونی‌ها بپردازد؛ و به این پرسش اساسی پاسخ دهد که: دگرگونی‌های خانوادگی در فرایند گذار زندگی مشترک زنان و مردان از نظر آنها چگونه فهم و برساخته می‌شود؟

۲. ادبیات پژوهش

۲-۱. ادبیات تجربی

مطالعات تجربی نیز تأثیرپذیری کنش‌های زن و مرد را از دگرگونی‌های درونی و بیرونی، مورد بررسی و واکاوی قرار دادند. اولاً و همکاران (۲۰۱۸) در پژوهش خود عنوان کردند که تقسیم کار خانه بین زنان و مردان در فرایند زندگی مشترکشان بر اساس مدل‌های خانواده و مشارکت در بازار کار و تأمین هزینه‌های زندگی متفاوت است؛ هرچند روند کلی نشان از پذیرش نقش‌های جدید از سوی زنان و تغییر نقش مردان دارد، اما در فرآیند گذار زندگی مشترک تغییرات، بیشتر متأثر از مشارکت زنان در کار و دستمزد آنها بوده است تا مردان. ژرمن‌مولز^۱ (۲۰۱۵) در پژوهشی با عنوان شکل‌گیری تفاهم هم‌نوا: گفتمان‌های مهاجرت‌های داوطلبانه خانوادگی، به این نتیجه رسید که خانواده‌ها به‌عنوان راهبردی برای تقویت پیوند خانوادگی، گردشگری داوطلبانه را انجام می‌دهند. آنها وجود فرزند در خانواده را یک عامل محدودکننده برای این امر می‌بینند. کای^۲ (۲۰۱۶) در پژوهش پیوند و تحول خانواده: تداوم و تحول، عنوان کرد در حالی که تز فردی‌سازی، پیوند بین اعضای خانواده را در حال کمتر شدن نشان می‌دهد؛ اما پژوهش‌های جدید، وجود

۱. Jerman molze

۲. Qi

پیوند و تعهدات خانوادگی را حتی با وجود اینکه زمینه‌های تضعیف آنها به قوت خود باقی است، تأیید می‌کند، هرچند این پیوندها بیشتر به حمایت مالی و عاطفی از والدین به فرزندان معطوف است. میوسن و همکاران (۲۰۱۶) در پژوهشی با عنوان ترکیب جنسیت، کار و هویت خانوادگی عنوان کردند، بزرگسالان هنجارهای جنسیتی را برای تخصیص سازگاری بیشتر بین هویت زن و خانواده و هویت مرد و کار و بالعکس درک می‌کنند. درحالی که هویت خانوادگی در بزرگسالان جوان تغییر کرد و آنها را برای حضور مشترک هویت شغلی و خانوادگی آماده کرد و به آنها هویت چندگانه بخشید. فالن^۳ (۲۰۱۵) در پژوهشی با عنوان برابری جنسیتی در بین زوج‌های دارای شغل دوگانه و دوشغله در رژیم‌های مختلف سیاست‌گذاری اروپا، به این نتیجه رسید که زوج‌های دو شغله، زوج‌های زن شاغل و زوج‌های زن تک‌درآمد، وظایف خانه را مساوی‌تر از زوج‌های دو درآمد تقسیم می‌کنند. جعفری‌بائی و همکاران (۱۳۹۸) عنوان کردند، شاخص‌های جمعیتی ولادت، ازدواج و طلاق خانواده ایرانی طی چهار سال تغییر اساسی را تجربه کرده‌است. رشد منفی ولادت و کاهش رشد ازدواج در مقایسه با رشد چند برابری طلاق را می‌توان نشانه‌های جمعیتی دانست که ایران را در مرحله دوم گذار جمعیتی قرار داده‌است. از طرفی تشدید روابط اجتماعی بدون مرز در قالب شبکه‌های گسترده ارتباطی موجب تحول در نگرش‌ها، ارزش‌ها و چارچوب‌های زندگی سنتی شده‌است. بویژه دگرگونی هویت زنان به عنوان یک عضو مؤثر در زاد و ولد، تحت تأثیر جهانی شدن، توانست نقشی تأثیرگذار در تحول خانواده را رقم بزند. علی‌محمدی و آقاجانی (۱۴۰۰) در پژوهش خود دریافتند که تعهد و همدلی نقش بسزایی در کیفیت زندگی مشترک زنان و مردان دارد. جنادله (۱۳۹۳) عنوان کرد، خانواده امروزی به دلایل گسترش ارزش‌های مدرنی چون، فردگرایی، استقلال و خودمختاری افراد دگرگونی‌های خانوادگی در روابط مشترک دوجنس به وجود آمد. قاراخانی (۱۳۹۴) در پژوهش خود پیرامون دگرگونی‌های خانواده عنوان کرد، دگرگونی‌های کارکردی خانواده در ایران با مؤلفه‌های اقتصادی، تقسیم‌کار، کیفیت عاطفی، روابط درون‌خانوادگی، کارکردهای هنجاری و تغییرات ارزشی مشخص می‌شود. بختیاری و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهش خود عنوان کردند که پیامدهای دگرگونی خانوادگی از نظر زنان و مردان متأهل، عمدتاً با موضع‌گیری‌های ناهمسو همراه است و برداشت‌های دوگانه از دگرگونی خانوادگی دارند، اما آنها نوعی رویکرد سازگاری و پذیرش اجباری دگرگونی‌ها در زندگی مشترک‌شان اتخاذ می‌کنند.

۲.۲. ادبیات نظری

سلامت اجتماعی یکی از مهم‌ترین ارکان بهزیستی و ارتقای کیفیت زندگی در هر جامعه‌ای است. در همین راستا تحقیق حاضر از یک‌سو، بررسی ابعاد مختلف سلامت اجتماعی را دنبال می‌کند و از سوی دیگر رابطه سلامت اجتماعی را با یکی از اساسی‌ترین متغیرها یعنی احساس امنیت بررسی کرده‌است (۴۷).

ساختار خانواده در دهه‌های اخیر دچار دگرگونی‌های گسترده‌ای شد (۳۸). این دگرگونی‌ها، واکنش‌های متفاوتی از سوی زوجین در طول زندگی مشترک‌شان داشت، که هر کدام از آنها به نحوی آن را تفسیر و مکانیزم‌های متناسب اتخاذ می‌کنند (۱۶). مفهوم کیفیت زندگی همواره موضوعی چالش‌برانگیز بوده و شامل ارزیابی و ادراک افراد از وضعیت زندگیشان بر اساس بافت فرهنگی و نظام ارزشی حاکم و ارتباط این عوامل با انتظارات، اهداف، معیارها و علایق شخصی است (۲۰۲۲). پذیرش همزمان یا مجزای نقش‌های چند هویتی چون کار، تربیت و خانواده، از دگرگونی‌هایی است که خانواده امروزی را متفاوت کرده‌است. در این شکل جدید، ویژگی‌های تقسیم و تعدیل خواسته‌ها، استقلال و وابستگی متفاوت، نقش‌های چند هویتی در پراکسیس و نگرش کنشگران خانواده نمود پیدا کرد و در فرایند گذار زندگی مشترک زنان و مردان متأهل، حالت‌های مختلفی به خود گرفت. از وابستگی تام گرفته تا خودمحموری و استقلال مالی، نقش‌های مشترک، پرداختن به امور خانوادگی و پذیرش هویت‌های چندگانه‌ی کار، خانواده و تربیت. حضور همزمان این هویت‌ها به‌عنوان عامل متضاد یا سازگار، پیامدهای مهمی روی شکل، درآمد و اصول دموکراسی در خانواده گذاشت (۴۴). گرایش یا فاصله گرفتن از هر کدام از این هویت‌های چندگانه، کنش‌های درون خانوادگی را تحت تأثیر قرار خواهد داد (۳۵). اینکه چه میزان، زوجین، همدیگر را در هویت جدید بپذیرند؛ به دوکاری توافقی دست بزنند؛ تمایل به فرزندآوری داشته باشند یا نه؛ مسائل را به شکل دموکراتیک ببینند و مستقلانه تصمیم بگیرند یا نیمه مستقل باشند (۱۵)؛ می‌تواند فهم همگرا یا واگرایی نسبت به کنش‌های همدیگر در طول دوران زندگی مشترکشان ایجاد کند و حوزه زندگی آنها را تحت تأثیر قرار دهد (۴۶). به دلیل درهم‌تنیدگی کار، جنسیت و هویت خانوادگی در زندگی مدرن، اولویت‌های ترجیحی زن یا همسر، می‌تواند از یک حوزه به حوزه دیگر انتقال یابد یا محور قرار گیرد (۷). ترجیح‌هایی که می‌تواند به بازنگری و بازتعریف ساحت‌های زندگی مشترک زوجین بیانجامد. ترجیح‌های هنجاری^۴ که پیش‌روی زن و مرد در چارچوب زندگی مشترکشان است عبارتند از: هنجارهای زنانگی - مردانگی، تعیین می‌کنند که کدام نقش‌ها برای مردان و کدام نقش‌ها برای زنان مناسب‌تر و قابل پذیرش‌ترند (۱۴). هنجارهای شغلی - خانوادگی تعیین می‌کنند که آیا هویت‌های مردانه همچنان با هویت‌کاری سازگاری دارد، و هویت زنانه با هنجارهای خانوادگی، یا بالعکس؛ یا هویت چندگانه به خود گرفته است (۲۷). در فرایند این هنجار، چنانچه یکی کمتر از دیگری کار کند، دو حالت پیش خواهد آمد یا دیگری مجبور است بیشتر کار کند، یا به بازنگری ادامه به زندگی مشترک می‌انجامد (۱۱). هنجارهای ارزشی - اجتماعی بیانگر جهت‌گیری آرزوها و باورها ارزش-مدارانه، گسترش دامنه تعاملات اجتماعی برون‌خانوادگی و کنش معطوف به دیگری (همسر، فرزند و...) در فرایند گذار زندگی مشترک‌شان است (۱۳). اینکه زوج بر اساس تمایلات هویتی و ذهنی خود کنشی را ترجیح دهد، که در نتیجه آن پاداش اجتماعی و اقتصادی دریافت کند (شغل بیرون و...)، یا با مجازات عرفی

۴- اولویت‌بندی‌هایی که فرد در نتیجه ارزش، فایده و کارکردی که یک پدیده برایش دارد و شخص آن را بر دیگری ترجیح می‌دهد و به آن پایبند است

مواجه بشود یا نشود (پذیرش، مقاومت یا مخالفت همسر و...)، می‌تواند کمیت و کیفیت بعد، ساختار و هنجار خانوادگی زوجین را در فرایند زندگی مشترک‌شان متأثر کند. هنجارهای موازی - چندگانه متناسب با اقتضات زندگی مدرن تنوع نیازها و دیجیتالیزه شدن حریم‌های خانوادگی شکل متفاوتی از با هم بودن زوجین را بر ساخت کرده به نحوی که تعداد زیادی از زوجین به صورت همزمان هنجارها و ارزش‌های درون خانوادگی (نقش همسری، تولید نسل و فرزندپروری و...) و هنجارهای شغلی و ساختاری (دورکاری، آموزش‌های مجازی، شغل‌های مجازی،...) را به صورت همزمان و موازی پذیرفتند (۲۳). مطالعات نشان داد که پذیرش هنجارهای چندگانه در میان زنان بیشتر از مردان است (۴۵) و زنان تمایل بیشتری به زندگی حرفه‌ای پیدا کردند (۱۷)؛ درحالی که همچنان مسئولیت هنجارهای خانوادگی را نگه داشته و به آن پایبندند (۲۶). هرچند داشتن درآمد زنان، تمایل آنها را به برون‌سپاری کارهای خانه بیشتر کرده است (۸).

۳- روش پژوهش

این جستار یک مطالعه توصیفی - تحلیلی است که به روش کیفی و با استفاده از راهبرد نظریه زمینه‌ای انجام گرفت. بدین صورت که پژوهشگر برای فهم بر ساخت‌های کنشی-هنجاری زنان و مردان متأهل در فرایند گذار زندگی مشترک‌شان، با مراجعه حضوری و شناسایی مشارکت‌کنندگان هدف، اطلاعات مورد نیاز را گردآوری کرد. برای این منظور زنان و مردان متأهل شاغل (کارمند) دانشگاه‌های آزاد تهران به‌عنوان جامعه آماری انتخاب شد. سپس از میان آنها، نمونه‌های مورد نظر، با کمک نمونه‌گیری هدفمند و در دسترس انتخاب شد. در این روش تعداد نمونه‌ها براساس منطق اشباع نظری تعیین شد که بر مبنای آن گردآوری اطلاعات تا جایی ادامه پیدا کرد که دیگر اطلاعات جدیدی اضافه نشد (۲۰۱۰). در نهایت حجم نمونه ۱۷ نفر بدست آمد. برای تحلیل داده‌ها از رویه رمزگذاری استرس و کوربین استفاده شد که شامل، رمزگذاری باز، رمزگذاری محوری و رمزگذاری انتخابی است (همان). با توجه به اینکه در نظریه زمینه‌ای، فرایند گردآوری و تحلیل داده‌ها به‌صورت همزمان و جزئی از مراحل تکمیل نظریه است (۵)؛ در گام اول از طریق طبقه‌بندی و نام‌گذاری داده‌ها رمزها استخراج شد. در گام دوم داده‌ها مجدد گروه‌بندی شده و پژوهشگر با کمک مقوله‌های رمزهای باز، مفاهیم و مقوله‌های تحلیلی بیشتری را استخراج کرد؛ و در گام سوم که در واقع انتزاعی‌ترین سطح است، با پیوند مقوله‌های محوری و شناسایی مقوله اصلی که بتواند به سایر مقوله‌ها نظم ببخشد، مقوله‌ی مرکزی شناسایی شد (۲۰۱۱). ابزار گردآوری اطلاعات در این پژوهش، مصاحبه کیفی با پرسش‌های ساخت‌نیافته و نیمه‌ساخت‌یافته بود. براین اساس پژوهشگر نخست با کمک استاد راهنما و مشاورین^۵ پژوهش، پرسش‌های باز و بدون ساختاری را طراحی کرد. پرسش‌هایی که منطق آنها فاقد جهت بودن آنهاست (۲۱). از جمله پرسش‌هایی مانند، در طول زندگی مشترک‌تان چه

۵- این مطالعه برگرفته از رساله دکتری با استاد راهنمایی دکتر ابوالحسن تنهایی و مشاوره دکتر مهدی لیبی و دکتر میثم موسایی با عنوان تحلیل موقعیت برسازی کنش زنان و مردان در فرایند گذار زندگی مشترک خانوادگی‌شان می‌باشد.

تغییراتی فضای خانوادگی‌تان را بیشتر تحت تاثیر قرار داد؟ که به دنبال آن پرسش‌هایی مانند، این تأثیرگذاری چگونه بود؟ این تغییرات برای زندگی مشترک‌تان مفید بوده یا مضر؟ چگونه می‌توان آثار آنها را کم کرد؟ از چه استراتژی‌هایی برای مواجهه با این دگرگونی استفاده می‌کنید؟ مطرح می‌شد. البته محورهای مطرح شده از طرف مشارکت‌کنندگان در طول مصاحبه تأثیر زیادی بر سبک و نوع پرسش‌های نیمه ساخت‌یافته داشت. این پرسش‌ها که از پرسش‌های مولد سرچشمه می‌گیرند، به گردآوری هدفمند انواع خاصی از داده‌ها که سمت و سوی پژوهش را جهت می‌دهند کمک کرد (۲۱). در واقع همین پرسش‌ها هستند که به افزایش قابلیت اعتماد در پژوهش کیفی کمک می‌کنند و در کنار تنظیم درست راهبرد مناسب برای شناسایی پدیده مورد مطالعه، جزئیات لازم را با صحبت و دقت و به‌صورت شفاف بیان می‌کنند (۲۴)؛ به نحوی که گام اول مسیر حسابرسی^۶ که از طریق آن امکان بازرسی و کنترل قابلیت اعتماد پژوهش میسر می‌شود، را فراهم می‌کنند (۲۴). در پایان مصاحبه‌ها و اطمینان پژوهشگر از کفایت اطلاعات، با محاسبه زمان شروع و پایان هر مصاحبه و جمع آنها، مشخص شد که متوسط زمان هر مصاحبه ۷۰ دقیقه بود.^۷

جدول ۱: مشخصات دموگرافی مشارکت‌کنندگان

ردیف	مشارکت‌کننده	جنس	مدت ازدواج	سن	شاغل بودن همسر	تعداد فرزند
۱	پهروز	مرد	۹	۳۳	ندارد	۱
۲	علی محمد	مرد	۶	۳۷	دارد	۲
۳	زینب	زن	۶	۳۳	دارد	۱
۴	حمید	مرد	۸	۳۵	دارد	۰
۵	حسینعلی	مرد	۲۴	۵۷	دارد	۳
۶	فرزانه	زن	۱۷	۴۶	دارد	۲
۷	گلرخ	زن	۱۲	۴۱	ندارد (آزاد)	۱
۸	سمیه	زن	۲	۳۴	ندارد	۰
۹	پریسا	زن	۳	۲۷	دارد	۱
۱۰	مقداد	مرد	۲۲	۵۲	دارد	۴
۱۱	سحرنا	زن	۳	۳۰	دارد	۰
۱۲	سهراب	مرد	۳	۳۲	ندارد	۰
۱۳	نرگس	زن	۲۹	۵۳	بازنشسته	۲
۱۴	علی اصغر	مرد	۲۳	۴۸	دارد	۴
۱۵	شهرزاد	زن	۱۵	۴۲	دارد	۲
۱۶	سیمین	زن	۱۰	۳۱	دارد	۰

۶- مسیری که در نتیجه آن تمام جزئیات مربوط به چگونگی گردآوری و نوع داده‌ها، نحوه تصمیم‌گیری، تفسیر و تحلیل داده‌ها بیان می‌شود

۷- ضروری است که از مشارکت‌کنندگان سپاسگزاری کرد که با اینکه در محل کار بوده و ارباب رجوع داشتند با سعه صدر در فرایند مصاحبه همکاری داشتند.

۱۷	بهمن	مرد	۲۰	۵۰	دارد	۶
----	------	-----	----	----	------	---

یافته‌های جدول ۱ نشان می‌دهد، افراد زیر ۳۵ سال تمایل کمتری به فرزندآوری دارند، عاملی که بود و نبودش می‌تواند تأثیر زیادی بر توافقات و تعاملات زوجین در فرایند گذار زندگی مشترک زنان و مردان داشته باشد. همچنین اکثر نمونه مورد مطالعه همسر شاغل بودند که این شاخص نیز می‌تواند بر شکل، حریم و جایگاه زوجین به هم تأثیرگذار باشد.

۴- یافته‌های پژوهش

تجزیه و تحلیل داده‌ها طبق الگوی استراوس و کوربین انجام گرفت. بر مبنای این الگو، طبقه‌بندی گزاره‌ها و مقولات، در نتیجه‌ی مراحل کدگذاری که متضمن شرایط علی، شرایط زمینه‌ای، پدیده مرکزی، استراتژی، شرایط میانجی و پیامد باشد، انجام گرفت.

شرایط علی: اشاره به حوادث، وقایع و اتفاق‌هایی که به وقوع یا گسترش پدیده‌ای می‌انجامد (۴۲). در این مطالعه جایجایی ارزش‌ها و فرایندها گذار مثبت و منفی به عنوان علل دگرگونی‌های خانوادگی از نگاه زنان و مردان متأهل بر ساخته شد.

جایجایی ارزش‌ها: دگرگونی‌هایی که در خانواده بوجود می‌آید، می‌تواند دلایل گوناگونی داشته باشد، که این دلایل به نحو مختلفی از سوی زنان و مردان متأهل بر ساخت می‌شود: «...من قبل از ازدواج خیلی بچه دوست داشتم اوایل ازدواج هم همین‌گونه بود. ولی برمرور ذهنم عوض شد. چیزای دیگه‌ای برام اولویت شد. دیدم زندگی آدم برای خودش، بچه‌های امروزی را که می‌بینم، اصلاً نمی‌خوام خودمو اسیر چنین شرایطی کنم. الان تفریحاتم، لذتم، کارم برای خودمه... مگه چند سال می‌خوام زنده بمونم... از خوشی‌های خودم بزنم که چی بشه... میام سرکار با همکارام راحتیم، میریم تفریح و... (مشارکت کننده، ۹، ۱۷). «... من کلاً کمتر خودمو فدای کسی می‌کنم حتی خانواده و بستگانم. برای کسی بمیر که برات تب کنه. اگه خودم قوی نباشم هیچکس بهم بها نمیده... چه نوع قوی؟ همه چیز؛ کار کنم، درآمد داشته باشم که بنظرم محتاج کسی نباشی حتی خانواده خیلی مشکلات را حل می‌کنه، سلامت باشم، تو خانواده امروزی اینا اصله، تهش این میشه که پیری میشی بچه‌ها بندازت خانه سالمندان... (مشارکت کننده، ۱۶، ۱۱)»... واقعیتش بارها برای خودم اتفاق افتاد همسرم غر میزنه که مثلاً آرایش و مد و... برای چپته، اما خودش موقعی که به خودم بهتر می‌رسیدم بیشتر بهم توجه می‌کرد، این واقعیته، میتونیم خودمونو گول بزنیم؟ گاهی با خودم فک میکنم وقتی که از بر رو بیفتم چه اتفاقی میفته؟ همسر و بچه تا حدی می‌تونن مهم باشن... اگه شکسته بشم احساسم اینه که از چشم میوفتم تا خودت نباشی نمی‌تونم برای بقیه هم مفید باشی... (مشارکت کننده، ۱۸ دریا ۴۳ ساله). به نظر می‌رسد ویژگی‌های هویتی و ذهنی افراد در شاخص‌های

خانوادگی، تحت تأثیر ساختارهای عینی و ذهنی بیرونی قرار گرفته است و هنجارهای جدیدی نمود پیدا کرد. در این وضعیت زنان و مردان در گذار زندگی مشترک‌شان با عبور از کارکردهای سنتی خانواده یعنی تولید مثل، خانواده گسترده، خانواده مردکار و زن‌خانه‌دار عبور کردند؛ طرفین ارزش‌های خود را در عرصه‌های دیگری جستجو می‌کنند؛ که دیگر داشتن فرزند و نگهداشت خانواده به هر قیمتی ارزش نیست. «... ایده‌آل من به‌عنوان زن و شوهری بدون فرزند است... من به داشتن تعداد زیادی فرزند فکر نمی‌کنم تجربه بد خانواده شلوغ پدریمو دارم... خدار را شکر در اکثر تفکراتمون به هم نزدیک هست فقط مدتی است در قضیه کار اختلاف دیدگاه درست شده که ما که خانواده شلوغی نیستیم این همه کار برای چیه و از این حرفا...» (مشارکت‌کننده ۱۲). به نظر می‌رسد نگرش افراد نسبت زندگی مشترک متأهلی در حال پذیرش نوع جدیدی از کنار هم بودن است که در آن سوژه‌ها خودستاینده‌تر و قراردادی‌تر شده‌اند.

فرایند گذار مثبت و منفی: برای بعضی، تغییرات به سمت دور شدن مثبت از هم منجر شده‌است (مشارکت‌کننده ۶). «... و به دلیل شغلمون در شهر و درآمد، با فاصله بسیار از خانواده خود و همسرم قرار دارم و این دوری‌گزینی گرچه باعث شده رابطه من و همسرم فقط به خودمون متکی باشه ولی از خانواده خود و همسرم و خویشاوندان فاصله بگیریم که خیلی هم بد نبوده، در تصمیم‌گیری‌های احساسی و سنتی و دخالت‌گونه والدینم بر زندگی شخصیم کاسته» (مشارکت‌کننده ۲). در حالی که برای بعضی تغییرات تا حد بحران‌هایی چون بی‌اعتمادی پیش رفته است «... صمیمیت از بین رفته و نسبت به دیگران یک حس بی‌اعتمادی داریم و در گذشته با اقوام نزدیک به صورت دسته‌جمعی به کارهای خانگی مثل (ترشی انداختن - رب پختن - آبغوره گرفتن و...) می‌پرداختیم ولی الان دیگه اون صمیمیت از بین رفته و کسی حوصله کارهای دسته جمعی را ندارد و حتی خواهر برادرام و بچه‌ام که ازدواج کرده را هم سالی یکبار نمی‌بینم هرکس به فکر خودش است تا بتونه گلیم خودش را از آب بیرون بکشه، البته من خیلی از این وضع خوشم نیامد، برام یخورده کسل کننده شده...» (مشارکت‌کننده ۱۳، ۱۴). (...اتفاقا اوایل یکم کوتاه میومدم اما بمروور فهمیدم همسرم باید منو هم ببینه. اگه زنا خودشون را باور کنن شدنیه. مدتی همسرم درگیری‌هایی داشت اما الان با سبک تفکر من کنار اومده...» (مشارکت‌کننده ۲). «... قبول مسئولیت‌های مختلفی که گاهی همزمان چندین نقش را مثلا من برعهده دارم همسرم الان ظرف می‌شوره و به بچه‌ها در لباس پوشیدن کمک می‌کنه و در آشپزخانه حضور داره و در طبخ غذا و اتوکشی لباس‌ها همکاری داره. این باعث تعامل شده ما نسبت ما دیر بچه‌دار شدیم میتونم بگم بچه در این تعامل نقش مهمی داشت...» (مشارکت‌کننده ۱۷).

جدول ۲: مقولات و زیرمقولات شرایط علی

نوع	مقولات محوری	زیرمقولات
شرایط علی	۱- جایجایی ارزش‌ها ۲- فرایند گذا مثبت و منفی	- تغییر اولویت‌ها- بازتعریف خود- خودارزشی- اثرپذیری گذشته‌نگر- - فاصله‌گذاری هدفمند- کم رنگ شدن عاطفه- به‌روز بودن

شرایط زمینه‌ای: سلسله خصوصیات ویژه‌ای که به پدیده‌ای دلالت می‌کند و نمایان کننده مجموعه شرایط خاصی است که در آن استراتژی‌های کنش متقابل صورت می‌گیرد(همان). در این مطالعه دو عامل، پیش‌بینی‌ناپذیری و موقعیت متغیر به‌عنوان شرایط زمینه‌ای مقوله‌بندی شد.

پیش‌بینی‌ناپذیری: همان‌گونه که در مبحث استراتژی اشاره شد، بخشی از دگرگونی‌های خانوادگی، خارج از کنترل و ناخواسته هستند. در این شرایط، زمینه و موقعیت‌هایی که زن و مرد در زندگی مشترک‌شان، تجربه می‌کنند، نقش بسزایی در فهم و مواجهه آنها از دگرگونی‌های خانوادگی دارد. در واقع فرد با ازدواج پا به عرصه‌ای می‌گذارد که نسبت به سطوح از آن ناآگاه است و چه بسا تغییرات خصلت طبقاتی، اعتقادی و رویکردی باشد. «اوایل چیزی به نام ظرف شستن و غذا درست کردن تو فکرمم نبود، بمرور در امور مربوط به خانه‌داری مشارکت بیشتر دارم که معنای اینه که سبک‌های زندگی مردان در حال تغییره. البته راستش من خیلی هم خوشم نمیومد اما زنم راستش بالا شهری و اصلاً نحوه زندگیش و... متفاوت، کلاً سبک زندگی منشا طبقاتی داره، آدم تو موقعیت که قرار بگیره دیگه دست خودش نیست... خانواده همسرم لباس، نوشیدنی، اوقات فراغت و ورزش خاصی دارند و کالاهای مصرفی خاصی را استفاده می‌کنند... من چون زندگی مو دوست دارم، بیشتر سعی کردم علی‌رغم مشکلات مالی خودمو با این تغییرات وفق بدم...» (مشارکت‌کننده ۱۶، ۹۰). برای بعضی تغییرات ساختاری چون افزایش بعد خانواده و پیامد آن غیرقابل پیش‌بینی است «... همین همسر من روزی می‌گفت تورا با دنیا عوض نمی‌کنم اما الان چی، فکر می‌کنی چرا اینجوری شده؟ چی بگم نیازها عوض شده چشم و هم چشمی، فشارهای زندگی هم کمرشکنه... خودمو آماده کردم برای هر اتفاقی، بیشتر سرکاره و و با خودش سرگرم... بچه هم درست کردیم کمک‌حالمون باشه شده قوز بالا قوز...» (مشارکت‌کننده ۱۶، ۴).

موقعیت متغیر: در کنا غیر قابل پیش‌بینی بودن دگرگونی‌ها، تغییرات موقعیت‌های ساختاری هم در شکل هم محتوا، فهم زنان و مردان متأهل را از موقعیت‌های گوناگون، که زمینه‌ساز واکنش‌ها و تصمیمات متناسب است، را متفاوت کرده‌است. «... انگار خانواده دیگه پاسخگوی کارکرد اصلی خود نیست. مسائل اقتصادی موجب شده منو همسرم هر دو کارکنیم، حتی شغل دوم پیدا کنیم. دیگه وقتی برای خونه نمی‌مونه. اول ازدواجمون با ماهی ۵۰۰ تومن میتونستیم خونه اجاره کنیم الان با ۳ میلیون هم نمیشه، از طرفی من قراردادی‌ام هر روز یه بخشنامه میاد...» (مشارکت‌کننده ۸، ۹). «... اینقدر تو شرایط سردرگم شدیم که هرچ دست و پا میزنم بیشتر غرق میشم. وام گرفتیم خونه بخریم، خونه که نتونستیم بخریم هیچ، قسط وامم نمیتونیم بدیم...» (مشارکت‌کننده ۱۱، ۵). «... خب ما اول ازدواج بچه نداشتیم الان بچه را مجبوریم بفرستیم غیرانتفاعی، دیگه قید تفریح و رفاه رو زدیم. شرایط برای همه تغییر کرده کسی به کسی هم کمک نمیکنه...» (مشارکت‌کننده ۱۲). «... و خیلی چیزها دست آدم نیست اول ازدواج شرایط یه جور بود، آمده

دیگه تغییر می‌کنه آدم یوقت مال خودشه، بعد ازدواج می‌کنه با یکی تقسیم میشه، تو همین ازدواج به جایی میرسه دوس داره دوباره مال خودش باشه...» (مشارکت‌کننده ۵، ۱).

جدول ۳: مقولات و زیرمقولات شرایط زمینه‌ای

نوع	مقولات محوری	زیرمقولات
شرایط زمینه‌ای	۱. پیش‌بینی ناپذیری ۲- موقعیت متغیر	- تقسیم کار مصلحتی - سازگاری موقعیتی - شرایط نامساعد زندگی - چشم و هم چشمی - دگرگونی کارکردی خانواده - عدم تناسب کار و زندگی - تغییر نگرش

شرایط مداخله‌گر: شرایط ساختاری که به پدیده‌ای تعلق دارند و بر استراتژی اثر گذاشته و مسیر آنها را هموار، محدود یا مقید می‌کنند (همان). در این مطالعه کیفیت حریم خانوادگی و نوع رابطه به‌عنوان شرایط مداخله‌گر مفهوم‌سازی شد.

کیفیت حریم درون خانوادگی: چارچوب خانواده برای برخی محلی برای جستجوی نداشته‌هاست. وقتی با وضعیتی مواجه می‌شوند که مورد انتظارشان نبود؛ به‌عنوان واسط برای دگرگونی‌های دیگری ظهور می‌کنند «... حس بدی دارم وقتی می‌بینم بین حداقل آرزوهایم و آنچه دارم همخوانی ندارم بهم می‌ریزم. ... بدتر اینکه روز به روز بدتر میشه. اختلاف سلیقه اگ کمبودی نباشه مسأله نیست، اما وقت اعضا خانواده باهم اختلاف پیدا کنن اونا هم خودشون نشون میدن. وقتی حس کمبود کنی اختلافات را گسترده می‌کنی...» (مشارکت‌کننده ۱۰، ۴). فرایندگذار برای برخی با تقویت کننده تداوم پیدا کرد «... بزرگترین تغییر با فرزندمون به وجود اومد... ما الان رابطه‌مون عاشقانه اولیه نیست و حتی اختلافات رو مسائلی جزئی هم داریم اما بخاطر بچه مون همدیگرو تحمل می‌کنیم...» (مشارکت‌کننده ۸)، راستش ما برعکس بودیم. یک سال بعد از ازدواج کارمون تا طلاق هم پیش رفت اما الان شرایط بهتر شده هر دو مون همینجا کار می‌کنیم شاید همین باعث شده به هم نزدیکتر بشیم...» (مشارکت‌کننده ۵).

سردی رابطه: کیفیت رابطه زن و مرد در دوره زندگی مشترک‌شان بطور مستقیم متأثر از نوع رابطه و احساس رضایتمندی آنها از همدیگر است (لارنس^۸ و همکاران، ۲۰۱۱) و آنهایی که با مهربانی بیشتری باهم دارند، نسبت به هم وابستگی و همراهی بیشتری دارند (برکوس و دنهام^۹، ۲۰۱۷). اگر چنین شاخص - هایی کم‌رنگ شود می‌تواند به بهم‌ریختگی رابطه زوجین شود «... تغییراتی که در طول زندگی متأهلی‌ام با

۸. Lawrence

۹. Berkos & Denham

آن مواجه شدم بیشتر به خاطر سردی رابطه مون هست که تحت تأثیر جامعه قرار گرفته است... الان فقط کنار همیم و فقط تو یه خونه ایم...» (مشارکت کننده ۱۰، ۹۱). «... اوایل زندگی مون همه چی سر جای خودش بود، حتی اگه کار اشتباهی می کردیم هم سرم نمی دید یا اونو تعبیر خوب می کرد؛ الان برعکس شده کاری که یه ذره اش پلنگه نق شروع میشه... خیلی برام فرقی نمی کنه بیاد زن چه کار میکنه، میاد نمیا...»

جدول ۴: مقولات و زیرمقولات شرایط میانجی

نوع	مقولات محوری	زیرمقولات
شرایط میانجی	۱- کیفیت حریم درون خانوادگی ۲- سردی رابطه	احساس کمبود- تقویت کننده های واسط رابطه- تحمل مشروط- نقش مثبت شغلی- جایگزینی همسفری بجای همسری- بی تفاوتی

استراتژی: راهبردهای ایجاد شده برای کنترل، اداره و برخورد با پدیده‌ای، تحت شرایط مشاهده شده خاص (۴۱). استراتژی های زنان و مردان در مواجهه با دگرگونی های خانوادگی در فرایند گذار زندگی شان در سه مقوله‌ی درک موقعیت معطوف به آینده، مشارکت تعامل گرایانه و مدیریت زمان فرزندمحور رمزگذاری شد.

درک موقعیت معطوف به آینده: دگرگونی همواره در دو ساحت کنترل شده و خواسته و غیرقابل کنترل و ناخواسته و ناهمسان و ناهمزمان اتفاق می افتد (۳۴). این مؤلفه در حریم مشترک خانواده، تاحدود زیادی متأثر از دوراندیشی و آینده نگری زن و مرد در مواجهه با این تحولات است. آنها برمبنای فهمی که از وضعیت آینده خود دارند موقعیت فعلی خود را سامان می دهند و تصمیماتی چون تحمل شرایط، به هم ریختن وضع موجود یا تلاش برای تغییر سامانمند موجود را پیش می گیرند. «ما یادگیرفیم از خودگذشتگی کنیم والا اکثر مواقع هم جواب داده در مورد خود من خیلی از شرایط باب میل نبود اما هدفمند نادیده می گرفتیم، کم کم روی همسرم تأثیر گذاشته... الان همکاری ها بیشتر شده و نه تنها این تغییرات پذیرفته بلکه نسبت به خواسته ها و تصمیمات من همراهی می کند (مشارکت کننده ۱۰ و ۳). برای برخی درک متقابل می تواند زمینه همگون سازی با دگرگونی ها را فراهم کرده و زن یا مرد محدود کردن زندگی مشترک خود را بر رفاه بیشتر از طریق شغل، کار و زندگی گسترده تر که نیازمند رابطه ها و هم کنشی های اجتماعی بیشتر است، ترجیح می دهند...» چون باور دارم که وضع همینجور نمی مونه... سعی می کنم بعضی از لذت هایی که دوست دارم اما همسرم نمی پسندد را کنار بزارم. راستش اونم همین حسو نسبت به من داره... شناخت نیازهای یکدیگر و درصدد رفع آنها و دیگر مانند قدیم پدرسالاری حاکم نیست... خب با این شرایط من چه نیازی به شلوغ کردن دور بر خودم دارم و مشغولیات غیر ضروری ایجاد کنیم...» (مشارکت کننده ۱۰، ۴۱).

مشارکت‌عامل‌گرایانه: هم‌نوابی و سازگاری میان اعضا خانواده نقش مهمی در زندگی مشترک زنان و مردان دارد (۳۲). این تعامل می‌تواند براساس خواست و منطق با میل زوجین باشد، می‌تواند از سرناچاری باشد یا تحمل شرایط برای بهبود شرایط باشد، که در هر مورد، زن و مرد آن را بعنوان راهبردی برای تغییر وضع پیش می‌گیرند. «...اول زندگی‌مون بر توافق بود... فقط در حد حفظ حرمت است و حتی نقشه‌های مشترک برای آینده فرزندم و خرید خانه، ماشین و... تحت تصمیم‌گیری من و همسر من است... فرقی نمی‌کنه هر تصمیمی گرفت احترام می‌زارم... خانواده اونم خانواده من، تازه نزدیک خونه اونم باشیم بهتره... بعضی موقع هم از کوره در میره اما در بدترین شرایط شخصیتمو حفظ کرده، درخانه ما برای همسر من پذیرفته شده که درکنار من از بچه‌ها نگره‌داری کردن و پخت‌وپز و شستشو مسئولیت‌پذیر باشه...» (مشارکت-کننده ۱۲، ۵، ۴). «... سعی می‌کنم بعضی از لذت‌هایی که دوست دارم اما همسر من نمی‌پسندد را کنار بزارم. راستش اونم همین حسو نسبت به من داره... شناخت نیازهای یکدیگر و درصدد رفع آنها و دیگر مانند قدیم پدرسالاری حاکم نیست...» و تصمیم‌گیری با خودم و همسر من است و مستقل شده‌ام (مشارکت-کننده ۱۵، ۱۰)

مدیریت زمان فرزندمحور: وجود کنشگر سومی بنام فرزند می‌تواند شکل‌دهنده‌ی دگرگونی‌های ساختاری مهمی در خانواده باشد. اکثر مواقع والدین فرزند را عامل مهمی در دگرگونی‌ها می‌دانند و از آن به‌عنوان راهبردی برای سازگاری یا تغییر شرایط استفاده می‌کنند. «... الان ۱۱ ساله ازدواج کردیم. چیزهایی که برای بچه‌هام در نظر گرفتیم تو کل زندگی‌مون توجه نمی‌کردم، خانمم همینو می‌گه، ما مجبور شدیم به خاطر دخترم محل زندگی‌مونو هم تغییر بدیم که درس بخونه...» (مشارکت‌کننده ۱۳، ۶). «... خب خیلی فرق می‌کنه زندگی دونفره بودیم، برای هم بیشتر وقت می‌داشتیم. اوقات فراغتمون بیشتر بود... ولی الان بچه است دیگه همیشه باید برای اونم وقت بزاریم... بچه ک چه عرض کنم بلا... همه چیز در اختیارشون گذاشتیم از خوشی‌مون زدیم آخرش هم اونی ک خواستیم نشد...» (مشارکت‌کننده ۱۵، ۳).

جدول ۵: مقولات و زیرمقولات استراتژی

نوع	مقولات محوری	زیرمقولات
استراتژی	۱- درک موقعیت معطوف به آینده ۲- مشارکت تعامل‌گرایانه ۳- مدیریت زمان فرزندمحور	از خودگذشتگی نتیجه بخش- آینده نگری- درک متقابل- اهمیت به هم‌دیگر- مشارکت در مسائل درون خانواده- رضایت از تغییرات و شرایط- هم‌دیگر سالاری- تصمیم‌گیری مشارکتی

پدیده مرکزی: ایده، حادثه، اتفاق یا واقعه‌ای که سلسله کنش‌ها به سمت آن رهنمون می‌شوند یا به آن مرتبطند (۴۱). در این مطالعه پدیده مرکزی در مقوله دوگانگی تأثیرپذیری سازگاران شامل مقوله‌های دگرگونی تأثیرپذیری و هم‌نوایی تعامل - تعارض است.

دوگانگی تأثیرپذیری: دگرگونی‌های گاهی متعارض و چندبعدی که در ساختار خانواده اتفاق افتاد، باعث شد، تاثرات ناهمسانی روی زندگی مشترک زنان و مردان بگذارد. دگرگونی‌هایی که در مواقعی منجر به تعارض‌های زناشویی و دورشدن زوجین از هم شد (۳)، تعارض‌ها می‌تواند به وضعیت تنش‌زایی در پابندی به اصول خانواده منجر شود (۴۳). البته، تأثیرگذاری می‌تواند روی همه اعضا یکسان نباشد. عده‌ای، این تحولات را ویرانگر در رابطه زن و مرد در خانواده می‌دانند. هرچند برای برخی دگرگونی‌ها هم مثبت بوده هم منفی. «... اتفاقات اکثراً برای ما خوشایند بوده ولی خوب بخش‌های نگران‌کننده‌ای هم داشته اما ما بخش مثبت‌شو می‌گیریم... دگرگونی‌ها عمدتاً بیرونی بوده راستش خیلی هم بد نبود... همین تکنولوژی راحتی ارتباط، دستیابی به آموزش‌ها و اطلاعات برای خانواده ما ک مفید بود... بیشترین بهم ریختگی خونه ما مالیه، کشور بی حساب کتابه وقتی نتونی نیازهای همسرتو برطرف کنی تازه اول ماجراست... هرچه رفتیم جلوتر بدتر شد نه ک خودش مشکله. با خودش همه مشکلات را میاره» (مشارکت‌کننده، ۱۶، ۱۴، ۲).

هم‌نوایی تعامل - تعارض: دگرگونی درون خانوادگی می‌تواند به صورت سامانمند و در کنترل زوجین باشد یا مولد چالش‌هایی برای به هم‌ریختن کانون خانواده. در شکل سامانمند، زوجین شکلی از توافق بر روی مسائل بحران‌ساز داشته باشند و حتی اگر یک مسأله‌ای را متعارض با ساختار هویتی و خانوادگی خود می‌بینند هم‌نو با هم با آن مقابله کنند «راستش زندگی الان ما نتیجه عوامل زیادی قبل از ازدواج بود، همسر من شهرستانی بود سنگ اندازی زیاد اما همدیگرو میخواستیم... ازدواج که کردیم وابستگی‌مون بیشتر شده اینجوری بگم رو همه چیز توافق داریم... شاید اوایل ازدواج مسأله‌ای پیش میومد با تردید همراهی می‌کردم اما الان در کلیدی‌ترین مثل بچه‌دار شدن با اینکه نظرمون مخالف هست اما توافق کردیم چند سال بچه دار نشیم...» (مشارکت‌کننده ۴، ۱۲). «... من مادر نداشتم که ازدواج کردم. همین وابستگی به همسرمو بیشتر کرده، البته خونه مادریش بی‌تفاوتن، اما برام مهم نیست تنها میره خونه پدریش، اون دوس داره بره اما من میونه خوبی ندارم، پذیرفته که در اختلاف روی این مسأله بروی خودمون نیاریم و در زندگی شخصی‌مون دخالتش ندیم... اینجوری بگم هرجا تعامل داشته باشیم با هم انجام می‌دیم هرجا هم اختلاف داشته باشیم پذیرفتیم که هرکس کار خودشو بکنه...» (مشارکت‌کننده ۷، ۸، ۱۶).

در حالی که همگان فکر می‌کردند دگرگونی‌های خانوادگی غالباً دارای تأثیر منفی، و به بحران جدایی قطعی و طلاق زن و شوهر و حتی شکل‌گیری الگوی جدیدی از خانواده می‌انجامد، در مصاحبه‌ها معلوم شد، عده‌ای دگرگونی را مثبت و جنبه‌سومی هم هست که با وجود نامناسبی دگرگونی‌ها، از سازگاری با آن و کاهش اثرات آن بر زندگی مشترکشان حکایت دارد (۶).

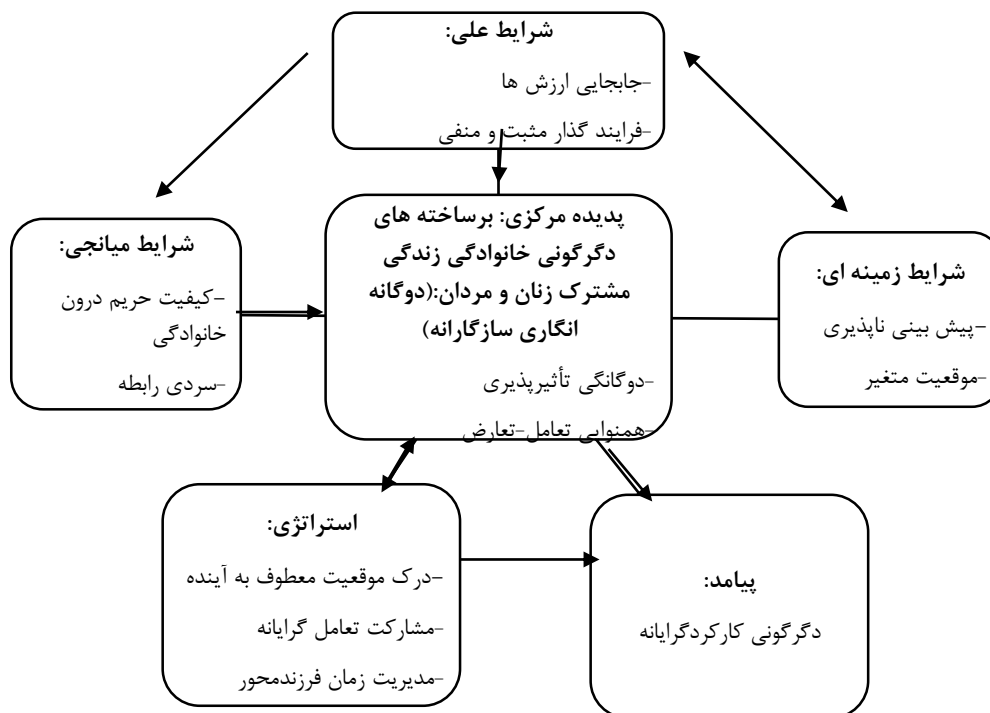
جدول ۶: مقولات و زیرمقولات پدیده مرکزی

نوع	مقولات محوری	زیرمقولات
پدیده مرکزی: دوگانه‌انگاری- سازگاران	۱- دوگانگی تأثیرپذیری ۲- هم‌نوایی تعامل- تعارض	تأثیرپذیری متفاوت بیرونی-عامل بیرونی تقویت کننده/خنثی کننده دگرگونی-جبر ساختاری بیرونی(اقتصاد/سیاست)-دوپذیری ایده و نگرش متعارض-سازگاری مصلحتی و منفعتی

پیامد: نتیجه و حاصل کنش متقابل می‌باشد(۴۱). پیامد دگرگونی‌های خانواده می‌تواند خواسته در راستای وضع موجود یا تغییر وضع موجود باشد. یا نتایجی ناخواسته باشند که مورد وفق زوجین باشد؛ یا مطلوب آنها نبوده و زن و مرد محتوم به پذیرش آنند. در نتیجه کدگذاری‌های این مطالعه، مشخص شد که دگرگونی‌های خانوادگی در هر شکل و ساحتی که رخ دهند، از نگاه زنان و مردان متأهل، بازدهی و کارکرد خاصی داشته‌اند. در مواردی کارکرد بهبود روابط خانوادگی زوجین، در مواردی به از هم گسیختگی رابطه آنها منجر شد که در زمره‌ی کارکردهای منفی دگرگونی‌هاست؛ در مواردی نیز به تغییر جهت مسیر زندگی مشترک زوجین انجامید. تمامی این پیامدها در این مطالعه در مقوله‌ی دگرگونی کارکردگرایانه مفهوم‌سازی شد.

دگرگونی‌های کارکردگرایانه: برای بعضی باعث بهبود زندگی آنها شده‌است... والا من نمیدونم گذشته‌ها چجوری زندگی می‌کردن، در چه مواردی؟ در همه موارد الان همین آپارتمان نشینی باعث شده جمعیت خانواده‌ها کم بشه... هزینه‌ها پایین بیاد... الان اصلاً نگران بچه‌مون نیستیم، با گوشی همه چیز شو چک می‌کنیم... از طرفی این تغییرات هرچه بوده الان زن و مرد نقش‌هاشون مشخص تر شده، من خودم اول از دواج شاغل نبودم بعد همسرم تشویقم کرد برم سرکار... «(مشارکت کننده ۱۷، ۱۱، ۵۶، ۱۱)». «... یروز برای بچه اولمون مشکل داشتیم که کجا بزاریمش تا برگردیم الان مهدکودک و پرستار جای پدر و مادر را گرفتن، راستش بخاطر همین ما خیالمون راحت بود که جمعیتمون زیاد شد...» (مشارکت کننده ۱۳). برای بعضی دگرگونی‌ها عامل بهم ریختن ارزش‌ها و نظم خانوادگی هستند... پایه‌های زندگی سست شده، من فکر می‌کنم اینجوری پیش بره دیگه خانواده‌ای نباشه یا لاقل اینجوری نباشه... ما سالهاست ازدواج کردیم اولش اصلاً مال من، مال تو نداشتیم، بحث استقلال نداشتیم... خب بچه‌ها هم از ما توخونه یاد می‌گیرن... می‌گه تو میری سرکار منم میرم سرکار ناچار شدیم برای چیز کوچک هم توافق کنیم و بحث کنیم... «(مشارکت کننده ۱۴، ۱۰). برای بعضی دگرگونی‌ها آنها را قانونمندتر، حساس‌تر و گزینشی‌تر کرده‌است...» واقعیت اینه که حتی نسبت به همسر منم می‌گم کاری که می‌کنه سودی برام داره یا نه، اونم اینجوریه. بیار گفتیم بچمونو بفرستیم غیرانتفاعی، گفت از الان هزینه کنیم فردا جایی میرسه جبران بشه؟ اینجوری شده دیگه... «(مشارکت کننده ۱۱)». «... در خونه ما هیچ کس از هیچ چیز دیگری خبر نداره... خب ما با ادمای تو خیابونم همین وضع رو داریم... فکر می‌کنیم اسم دیگری بجای خانواده بهش بدیم... شایدم چاره‌ای

نیست وقتی برای سرپا نگهداشتن خونه همه باید درآمدزایی داشته باشن همیشه کاری کرد... یادمه بچه دومم پسر بود گفتم چهارتا بچه برامون مناسبه اما خدا را شکر ک رو همون دوتا موندیم...» (مشارکت-کننده ۹،۱۴).



نمودار ۱: مدل پارادایمی تحلیل مسأله

بر مبنای مدل بالا، برساخته های دگرگونی خانوادگی زندگی مشترک زنان و مردان در فرایند گذار در مقوله انتزاعی دوگانه انگاری سازگارانه به عنوان پدیده مرکزی مفهوم سازی شد که دربرگیرنده برساخت هایی چون دوگانگی تأثیرپذیری و همنوایی تعارض - تعامل است. برساخت هایی که آشکارا کنش متفاوتی از زندگی متأهل زوجین نمایان می سازد. هرچند این کنش ها تحت تأثیر علل مختلف و در زمینه ی خاصی اتفاق می افتد. زوجین در مواجهه با آنها، از استراتژی های مختلفی استفاده می کنند که در ادامه مورد تفسیر قرار می گیرند.

۵- بحث و نتیجه گیری

آنگونه که تحلیل‌های این مطالعه نشان داد، دگرگونی‌های زندگی مشترک زنان و مردان در مقوله دوگانه‌انگاری سازگاران مفهومی‌سازی شد و به‌عنوان پدیده مرکزی و هسته‌ای پژوهش، در دو مقوله پیش-بینی‌ناپذیری و موقعیت متغیر کدگذاری شد. این‌گونه استنباط می‌شود که ساخت‌های زندگی مشترک خانوادگی، بشدت تحت تأثیر تغییرات لحظه‌ای و خارج از کنترل قرار گرفته است. شرایطی که در آن، فاصله زمان، مکان و پدیده‌ها به حداقل رسیده است (۴۰). در چنین وضعیت متغیری، دگرگونی نامتوازن باعث تأخر در بخش‌هایی می‌شود، که تغییر سنت‌ها و هنجارهای پذیرفته شده آن عرصه، آن را با بحران مواجه می‌کند. امری که از گفته‌های مشارکت‌کننده‌ها نیز استنباط شده، نشان می‌دهد، میان سرعت ورود دگرگونی‌ها و هنجارهای مسلط زندگی خانوادگی نوعی تأخر اتفاق افتاد و شرایط را برای آنها پیش‌بینی‌ناپذیر کرده است. اما آنها به‌شکلی هم‌نوا و سازگار، تعارض‌ها را با رویکردی تعاملی پذیرفته و خود را با شرایط سازگار می‌کردند. یافته‌های این مطالعه با نتایج مطالعات اول و همکاران (۲۰۱۸)، میوسن و همکاران (۲۰۱۶) و جعفری‌بائی (۱۳۹۸) همسو می‌باشد. زنان و مردان متأهل علل این وضعیت را جایجایی ارزش‌ها و تکانه‌های مثبت و منفی در فرایند گذار عنوان کرده‌اند. استنباط می‌شود که، اگر در گذشته حفظ ارزش‌ها و هنجارهای خانواده به هر قیمتی اصل مسلط بود؛ در شرایط کنونی، نداشتن تعصب نسبت به سنت‌ها و پذیرا بودن تغییرات جدید، خود تبدیل به ارزش شد. این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های میوسن و همکاران (۲۰۱۶) و جنادله (۱۳۹۳) سازگار است. این جایجایی ارزش با میانجی‌هایی چون، کیفیت حریم درون خانوادگی و نوع رابطه زوجین می‌تواند تشدید یا تعدیل شود؛ چه بسا نیاز به همدیگر از سوی زوجین و بودن برای همدیگر فراتر از هر تغییری ولو ارزشمند باشد، یا برعکس، زوج بودن این دو (زن و مرد) و تداوم آن، مشروط به حضور اکتساب‌های بیرونی باشد. که در هر صورت زندگی مشترک آنها در گذر زمان، شکل متناسب با آن را به‌خود می‌گیرد. این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های کای (۲۰۱۶) و علی‌محمدی و آقاجانی (۱۴۰۰) همسویی دارد. اما همانند هر وضعیت دیگری، انسان‌ها به حکم قدرت، اراده، اختیار، تصمیم برای بهبود و مقابله با تغییر، از استراتژی‌های متفاوتی در مواجهه با دگرگونی‌ها برای پیشبرد شرایط استفاده می‌کنند. استراتژی‌های عنوان شده از سوی زنان و مردان متأهل در این مطالعه، درک موقعیت معطوف به آینده، مشارکت تعامل‌گرایانه و مدیریت‌زمان فرزندمحور، نشان از آن دارد که زنان و مردان دگرگونی‌ها را پذیرفته‌اند، اما با رویکردی آینده‌نگر و بصورت سامانمند دست به کنش می‌زنند. این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های ژرمن مولز (۲۰۱۵)، میوسن و همکاران (۲۰۱۶)، قارخانی (۱۳۹۴) و بختیاری و همکاران (۱۴۰۰) همسو است. طبق برساخت‌هایی که در استراتژی‌های بکارگرفته شده زوجین در مواجهه با دگرگونی‌ها مطرح می‌شد؛ آنها موقعیت فعلی را به شکلی پیش‌رونده و آینده‌نگر، می‌پذیرند. اما به شکلی نرم، آمادگی عبور از هنجارهای مسلط و پذیرفته شده خانوادگی و پذیرش دگرگونی‌های جدید را نشان دادند. با مشخص شدن علل و پیامد دگرگونی‌های خانوادگی در فرایند گذار زندگی مشترک زنان و مردان که از سوی آنها برساخته شد و مسائلی که با توجه به محدودیت موضوعی این مطالعه، امکان بررسی آنها وجود نداشت؛

می‌توان پیشنهاداتی در دو بخش کاربردی و پژوهشی جهت بررسی دگرگونی‌ها در ساخت خانواده ارائه کرد: در بخش کاربردی بر مبنای بر ساخته‌هایی که در مبحث پیامد عنوان شد؛ پیشنهاد می‌شود، میان نهادهای تصمیم‌ساز، اندیشکده‌های حوزه خانواده و محافل دانشگاهی کارگروه‌های هدفمند تشکیل و میان زمان کار، دستمزد و ایجاد سازکار برای حمایت مادی از فرزندان شاغلین، خط‌مشی طراحی کنند، تا برای مقابله با اثرات تکانه‌های بیرونی آمادگی لازم را داشته باشند. در بخش پژوهشی، پیشنهاد می‌شود که پژوهشگران آینده‌پژوهی خانواده را به‌عنوان یک ضرورت فرض کنند و چگونگی کاهش فاصله میان دگرگونی‌های ساختاری همچون تکنولوژی، اقتصادی و سیاسی، با دگرگونی‌های زیربنایی چون فرهنگ خانوادگی و ارزش‌های کنشگران خانواده با رویکردی آینده‌نگر را مورد پژوهش قرار دهند.

منابع

- Adib-Haj Bagheri, Mohsen, Parvizi, Sarwar and Salsali, Mahosh (2010). **Qualitative research methods**. Second edition: Tehran, Beshri publishing center. [in persian]
- Ali Mohammadi, F and Aghajani, A (2021). Predicting the quality of married life based on the commitment and empathy of couples in married students of Islamic Azad University, Qom branch. **Cognitive Psychology and Psychiatry Quarterly**, ۸(۴), ۱۳۵-۱۴۵ [in persian].
- Amatudi, P. R., & Buer, D. D. (2001). The transmission of marital instability across generations: Relationship skills or commitment to marriage? **Journal of Marriage & Family**, 63(1), 1038-1051.
- Babbie, E. (2007). **The practice of social research**, 11th ed.
- Baby, Earl (2013). **Research methods in social sciences**. Translated by Fazel, Reza, ۹th edition: Tehran, Samit Publications. [in persian]
- Bakhtiari, Shahnaz, Tanhaii, Abolhassan, Labibi, Mohammad Mahdi and Mousai, Maitham (2021). Analysis of family transformations in the transition process of joint life of men and women with the help of data-based theory. **Family Research**, ۱۷th year, No. ۶۶, ۱۴۵-۱۶۶. [in persian]
- Bakker, A. B., and Demerouti, E. (2013). "The spillover-crossover model," in **New Frontiers in Work and Family Research**, eds J. Grzywacs and E. Demerouti (Hove Sussex: Psychology Press), 54-70.
- Baxter, J., Hewitt, B. and Western, M. (2009) Who Uses Paid Domestic Labor in Australia? Choice and Constraint in Hiring Household Help. **Feminist Economics**, 15(1):1-26.

- Baxter, J., Hewitt, B. and Western, M. (2009) Who Uses Paid Domestic Labor in Australia? Choice and Constraint in Hiring Household Help. **Feminist Economics**, 15(1):1-26.
- Berkos KM, Denham J. (2017). Intimacy, Marital Satisfaction, and Third Party Imagined Interactions. **Imagination, Cognition and Personality**, ۳۶(۳), ۳۱۲-۳۳۰.
- Biehle, S. N and Mickelson, K. D. (2012). First-time parents' expectations about the division of childcare and play. **J. Fam. Psychol.** 26, 36–45. doi: ۱۰.۱۰۳۷/۰۰۲۶۶۰۸.
- Brewster, Karin L. and Ronald R. Rindfuss.(2000). "Fertility and women's employment in industrialized nations," **Annual Review of Sociology** 26: ۲۷۱-۲۹۶.
- Diekman, A. B., Clark, E. K., Johnston, A. M., Brown, E. R., and Steinberg, M. (2011). Malleability in communal goals and beliefs influences attraction to stem careers: evidence for a goal congruity perspective. **J. Pers. Soc. Psychol.** 101, 902–918. doi: 10.1037/a0025199.
- Eagly, A. H., and Karau, S. J. (2002). Role congruity theory of prejudice toward female leaders. **Psychol. Rev.** 109, 573–598. doi: 10.1037/0033-۲۹۵۰.۱۰۹.۳.۵۷۳
- Eagly, A. H., Wood, W., and Diekman, A. (2000). "Social role theory of sex differences and similarities: a current appraisal," in **The Developmental Social Psychology of Gender**, eds T. Eckes and H. M. Trautner (New York, NY: Psychology Press), 123–174.
- England, P. (2010). The gender revolution. **Uneven and Stalled Gender & Society**, 24(2), 149–166.
- England, P. (2011). Missing the big picture and making much ado about almost nothing: recent scholarship on gender and household work. **J. Fam. Theory Rev.** 3, 23–26. doi: 10.1111/j.1756-2589.2010.00077.
- Espenshade, Thomas J. (1985). "Marriage trends in America: Estimates, implications, and underlying causes," **Population and Development Review** 11: 193–245.
- Fahlen, S. (2015). Gender equality within dual-earner and dual-career couples across different policy regimes and norm systems in Europe. A project funded by European Union's Seventh Framework Programme under grant agreement no. 320116, **families and societies**, 48.
- Flick, Ov (2008). **An introduction to qualitative research**. Translated by Jalili, Hadi, ۲nd edition: Tehran, Ni publication. [in persian]
- Flick, U. (2006). **An introduction to qualitative research**, translate Jalili. Hadi. Ney.

- Goldscheider, F, Bernhardt, E, Iaple, Gård, T. (2015). The Gender Revolution: A Framework for Understanding Changing Family and Demographic Behavior. **POPULATION AND DEVELOPMENT REVIEW** 41(2): 207-239
- Hakanen, J. J., Peeters, M. C., and Perhoniemi, R. (2011). Enrichment processes and gain spirals at work and at home: A 3-year cross-lagged panel study. **J. Occup. Organ. Psychol.** 84, 8-30. doi: 10.1111/j.2044-8325.2010.02014.
- Hariri, N. (2006). **Principles and methods of qualitative research**. Tehran, Islamic azad university science & research campus.
- Hariri, Najala (2015). **Principles and methods of qualitative research**. First edition: Tehran, Islamic Azad University, Department of Research Sciences [in persian].
- Hochschild, A., and Machung, A. (2012). **The Second Shift: Working Families and the Revolution at Home**. New York, NY: Penguin Books.
- Hodges, A. J., and Park, B. (2013). Oppositional identities: dissimilarities in how women and men experience parent versus professional roles. **J. Pers. Soc. Psychol.** 105, 193-216. doi: 10.1037/a0032681
- Jafari Bai, M., Rahmani Firouzjah, A., Forotan, Y. and Pahlavan, M. (2021). Study of the evolution of the Iranian family from the perspective of demographic indicators (1976-2016), **Population Quarterly** / 26th year, No. ۱۰۹, ۱۲۱-۱۵۳. [in persian]
- Jalal, Aida, Yousefzadeh, Payman and Bahrami, Bitia. (2022). The effectiveness of Perma Seligman's training on the mental well-being, quality and life orientation of a single parent mother. **Women and Family Studies**, ۱۵(۵۷), ۳۱-۷. [in persian]
- Junadele, A. and Rahnama, M. (2014). Transformation in the conventional model of the Iranian family (secondary analysis of national data). **Family Research Quarterly**, Year ۱۰, Number ۳۹, ۲۹۶-۲۷۷ [in persian].
- Karakhani, M. (2014). Indicators of family status measurement, a basis for social policy making, **Sociological Studies**, ۲۲, No. ۲, ۱۲۵-۱۴۹. [in persian]
- Karimi Vardanjani, M. (2019) Investigating healthy and unhealthy family interaction patterns (repulsions and attractions) from the point of view of Islamic teachings in comparison with the approaches of psychological science. **New Approach Quarterly in Educational Sciences**, 2(2), 91-۷۶. [in persian]
- Lawrence E, Barry RA, Brock RL, Bunde M, Langer A, Ro E, et al. (2011). The Relationship Quality Interview: Evidence of reliability, convergent and divergent validity, and incremental utility. **Psychol Assess**; 23(1): 44-63.

- Lesthaeghe. R, The second demographic transition, 1986–2020: sub-replacement fertility and rising cohabitation a global update. **Genus** 76, 10 <https://doi.org/10.1186/s41118-020-00077-4>.
- Meeussen L, Veldman J and Van Laar C (2016) Combining Gender, Work, and Family Identities: The Cross-Over and Spill-Over of Gender Norms into Young Adults' Work and Family Aspirations. **Front. Psychol.** 7:1781.
- Molz, J. G. (2015). Making a Difference Together: Discourses of Transformation in Family Voluntourism. **Journal of Sustainable Tourism**, 24(3): 805-823.
- Mozafari, Alireza and Berimani; Abu al-Qasim (2022). The relationship between family functioning and quality of life at school with the mediating role of academic self-efficacy in students. **Sociological research**. 16 (3), ۱۰۷-۱۲۹. [□□ □□□□□□□□]
- olah, I, kotowska, I & richter, R. (2018). The New Roles of Men and Women and Implications for Families and Societies. **A Demographic Perspective on Gender, Family and Health in Europe** pp 41–64. <https://link.springer.com>.
- Qi, X. (2016). "Family bond and family obligation: Continuity and transformation", **Journal of Sociology**, 52(1), pp. 39-52.
- Ritzer, J. (2005). **Sociological theories in the contemporary era**. Translated by Mohsen, Talasi: Tehran, Ney Publishing.
- Strauss, Anselm and Corbin, Juliet (2011). **Principles and methods of qualitative research: basic theory - procedures and methods**. Third edition: Tehran, Research Institute of Human Sciences and Cultural Studies. [in persian]
- Strauss. A, Corbin. J. (2010). **Basics of Qualitative Research**. Translate Mohammadi. B, institute of Humanities and cultural studies.
- Tolorunleke, C. A. (2014). Causes of marital conflicts amongst couples in nigeria: implication for counseling psychologists. **Procedia -Social and Behavioral Science**, 140, 21-26.
- Van Steenbergen, E. F., and Ellemers, N. (2009). Is managing the work–family interface worthwhile? Benefits for employee health and performance. **J. Organ. Behav.** 30, 617–642. doi: 10.1002/job.569.
- Van Steenbergen, E. F., Ellemers, N., and Mooijaart, A. (2007). How work and family can facilitate each other: distinct types of work-family facilitation and outcomes for women and men. **J. Occup. Health Psychol.** ۱۲, ۲۷۹–۳۰۰. □□□: ۱۰.۱۰۳۷/۱۰۷۶-۸۹۹۸.۱۲.۳.۲۷۹.

- Wood, W and Eagly, A. H. (2009). **Gender identity,” in Handbook of Individual Differences in Social Behavior**, eds M. R. Leary and R. H. Hoyle (New York, NY: Guilford Press), 109 –125.
- Zahiri Nia Mostafi, Valipour Zahra, Sarafraz Parnian. (2022). Investigating social health and factors affecting it among the employees of the executive bodies of Bandar Abbas city. **Social-cultural development studies**. 10 (۴):۲۰۲-۲۲۲. [in persian]

Analysis of family transformations based on women's and men's constructions of these transformations in the transition process of their joint life

ShahnazBakhtyari HossainAbolhasan Tanhaee Mohamad MehdiLabibi

MassamMousaei

Abstract

This Research was a descriptive and analytical study that was conducted with the aim of understanding the active constructions of the joint life of men and women from family transformations in the transition process of their joint life. The implementation method was qualitative and implemented with the help of grounded theory strategy. Based on this method, the researcher collected the required information by referring directly to the participants and analyzed it during the coding process. The statistical population was selected from all the married employees of the free universities of Tehran. The required samples were selected with the help of targeted and accessible sampling. Finally, according to the logic of theoretical saturation, the final sample was determined to be 17 people. The data collection tool was a qualitative interview with open and semi-structured questions. Strauss and Corbin's open, central and selective reasoning was used for data analysis. The analysis of the data showed that the causes of family transformations in the transition process of their joint lives were stated by the couples to be the displacement of the values of the couple and the family and positive and negative external impulses that in the unpredictability and situation- variables occur; However, intervenors such as the quality of privacy within the family were added to the cause. In facing these impulses, couples used different strategies such as future-oriented understanding of the situation, interactive participation, and child-oriented time management.

Keywords: family transformation, cohabitation of men and women, ground theory

Department of Sociology, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Department of Sociology, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. (Responsible author). hatanhai121@gmail.com

Department of Sociology, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Department of Sociology, University of Tehran, Faculty of Social Sciences, Tehran, Iran